



شناسایی عوامل موثر بر تقاضا و چگونگی افزایش مصرف آبزیان در استان کرمان

لادن شفیعی

چکیده

هدف اصلی سیاست‌های تولیدی در زمینه مصرف آبزیان، افزایش تقاضای آبزیان است. تجزیه و تحلیل ساختار تقاضا و الگوی مصرف آبزیان، کاربرد بسیار زیادی در تجزیه و تحلیل‌های سیاستی دارد. در این تحقیق با استفاده از داده‌های سری زمانی ۱۳۶۸-۱۳۹۱ تابع تقاضای به نسبت ایده‌آل آبزیان استان کرمان تخمین زده شد و کشش‌های قیمتی و غیر قیمتی توابع تقاضای مارشال و هیکس مورد مطالعه قرار گرفت. کشش متقاطع میان گوشت مرغ و ماهی نشان دهنده حالت جانشینی این محصولات است و کشش درآمدی آبزیان نشان از ضروری بودن این محصول در بین مصرف‌کنندگان مناطق شهری و لوکس بودن این محصول در بین مصرف‌کنندگان روستایی دارد. کشش‌های محاسبه شده در جوامع شهری و روستایی نشان داد که در طول دوره مورد بررسی استفاده از اهرم قیمت برای اصلاح الگوی مصرف موثر بوده است که باید با بکار بستن سیاست‌های مناسب کنترل شود.

کلمات کلیدی: تقاضای به نسبت ایده‌آل، کشش قیمتی، متقاطع و درآمدی، مصرف آبزیان، استان کرمان



مقدمه

محصولات دریایی به عنوان پروتئین تامین کننده نیازهای انسانی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. هرچند سابقه استفاده از پروتئین‌های دریایی در ایران تحت تاثیر عوامل مختلف اجتماعی، اقتصادی، قومی و جغرافیایی بوده است، جایگاه و ضرورت مصرف آبزیان در برنامه غذایی مردم ایران همیشه با اهمیت تلقی نگردیده است و با توجه به منابع آبی گسترده و ذخایر متنوع آبزیان در ایران، توجه به این ماده غذایی با ارزش در حد کافی نمی‌باشد. شواهد حاکی است که میزان مصرف در ایران علیرغم برنامه‌های منظم توسعه‌ای اخیر که وجه همت برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران دولت قرار گرفته‌اند، پایین می‌باشد. لذا در مجموع می‌توان دو دسته عوامل موثر را در استفاده از پروتئین دریایی در نظر گرفت، ابتدا عواملی که به ساختار فنی و تکنیکی در استحصال و پرورش آبزیان دخالت داشته نظیر مدیریت صید، ذخایر، تحقیقات، روش‌های صید و فرآوری و عملیات وابسته به زیربناهای توسعه‌ای صید و پرورش و در مرحله بعد حضور مصرف کننده و اطلاعات، نظرات و در مجموع نوع رفتار او نسبت به محصولات دریایی، قرار دارد. مصرف کننده یا کسی که مبادرت به خرید می‌کند؛ تحت تاثیر درآمد، قیمت کالا، پیشینه نظری و نگرش، ارزش‌ها، عادات، رسوم، پایگاه اقتصادی و اجتماعی، موقعیت و نژاد، معیارهای خرید، منابع اطلاعاتی در مورد محصولات دریایی، نوع تلقی از آبزیان به عنوان یک منبع تغذیه ای، نقش اعضاء خانواده در خرید انواع ماهی و سهولت دسترسی به مراکز فروش و تعداد فرزندان دارد. البته سهم تاثیر پذیری هر یک از عوامل مذکور با شدت و ضعف‌هایی روبروست، همچنین تعیین الگوی ترجیح مصرف و تشخیص دلایل مصرف پایین محصولات دریایی از نظر مصرف کنندگان نیز از مباحث قابل بررسی است (۶).

با توجه به اهمیت مصرف آبزیان، چشم انداز اصلی سیاست‌های تولیدی در زمینه شیلات در ایران، افزایش تقاضای آبزیان است. تجزیه و تحلیل ساختار تقاضا و الگوی مصرف آبزیان، کاربرد بسیار زیادی در تجزیه و تحلیل‌های سیاستی دارد. همچنین بررسی میزان اثر بخشی سیاست‌های مربوط به تنظیم بازار، کنترل یا افزایش عرضه محصولات و تغییرات قیمتی بر امنیت غذا و سلامت آحاد جامعه و رفاه مصرف کنندگان اهمیت خاصی دارد. این اثربخشی از طریق چگونگی واکنش مصرف کنندگان نسبت به هر یک از تغییرات قابل اندازه گیری است. از سوی دیگر تولید کنندگان و سایر عوامل بازار نیز به منظور برنامه ریزی و طراحی تولید و فروش نیاز به پیش بینی تقاضای محصولات‌شان دارند و کشش‌های تقاضا از این جهت حائز اهمیت هستند. به طور کلی برآورد تابع تقاضا در شناخت ارجحیت‌های مصرفی، تعیین سیاست‌های مربوط به مصرف، پیش بینی نیازهای مصرفی آینده و برنامه ریزی اهمیت ویژه دارد. اگر چه تئوری رفتار مصرف کننده و بر اساس آن تئوری تقاضا از مباحث بسیار پیشرفته در علم اقتصاد است، ولی نحوه گذر از استدلال‌های تئوریک به یک چهارچوب مشخص همواره مورد بحث اقتصاددانان بوده است.



به طور کلی در هر دوره زمانی، هر گروه از افراد مخارج مشترکی دارند که ناچارند درباره تخصیص مخارج شان روی کالاهای موجود تصمیم بگیرند. نتیجه این تخصیص به ذائقه خانوار و قیمت کالاهای گوناگون بستگی دارد (۶). برنامه ریزی در عرصه های گوناگون زندگی، مانند مسایل اقتصادی و معیشتی مردم، اهمیت ویژه ای دارد. در این زمینه رفتار و الگوی مصرف جامعه می تواند کمک موثری در جهت بالا بردن دقت این برنامه ها بکنند. افزایش روزافزون تقاضا برای فرآورده های غذایی، لزوم استفاده مناسب از امکانات موجود را ایجاب می کند. این امر نشان دهنده اهمیت برنامه ریزی در مسایل مختلف اقتصادی بخش کشاورزی است. در این راستا، پیش بینی تولید و مصرف محصولات گوناگون با هدف پیدا کردن شکاف میان عرضه و تقاضای آنها، اهمیت خاصی دارد و انجام این نوع پژوهش ها از جنبه های مختلف و زمانهای مختلف می تواند به برنامه ریزان و سیاستگذاران در شناخت مناسبتر وضعیت موجود کمک و آنها را در رسیدن به وضعیت مطلوب راهنمایی کند. با توجه به مطالب بالا با توجه به اهمیت برآورد تقاضا و محاسبه کشش ها در برنامه ریزی و سیاستگذاری های مربوط به این بخش و با توجه به این که در زمینه تقاضای آبزیان و نوع برخورد مصرف کنندگان در استان کرمان تا کنون تحقیقی صورت نگرفته است. در این مقاله تلاش شده است تابع تقاضای تقریباً ایده آل برآورد و کشش های مربوطه تخمین زده شود.

در این مطالعه، نخست توابع تقاضای آبزیان جوامع شهری و روستایی با بهره گیری از توابع تقاضای به نسبت ایده آل تخمین زده شد و برآورد کشش های قیمتی و متقاطع نیز با استفاده از توابع تقاضای مارشال و هیکس انجام شد.

با توجه به مطالب پیش گفته، هدف های خاص این مطالعه عبارت است از:

- ۱- تخمین تابع تقاضا برای آبزیان (ماهی، میگو، ماهیان پرورشی و...) در مناطق شهری و روستایی استان کرمان
- ۲- بررسی کشش های قیمتی و متقاطع انواع گوشت
- ۳- آرایه راهکارها و پیشنهاداتی در جهت بهبود تقاضای آبزیان در اقشار مختلف جامعه

پیشینه تحقیق

رضاپور و همکاران (۱۳۹۰) در تحقیقی به بررسی تقاضای مواد خوراکی با استفاده از سیستم تقاضای تقریباً ایده آل در مناطق شهری پرداختند و نتیجه گرفتند که تقاضای انواع گوشت به شدت تحت تاثیر قیمت آن قرار دارد و نسبت به تغییرات قیمت واکنش زیادی نشان می دهد. بر اساس کشش های محاسباتی گوشت جز کالاهای لوکس قرار دارد که با افزایش یک درصد درآمد خانوار انتظار می رود تقاضا برای گوشت بیش از یک درصد افزایش یابد.

قربانی و همکاران (۱۳۸۹) با استفاده از داده های دوره زمانی ۱۳۶۷-۸۱، الگوی تصحیح خطای سیستم تقاضای تقریباً ایده آل برای انواع گوشت در ایران برآورد شده است. نتایج این مطالعه نشان می دهد که کشش ها در بلند مدت



کوچکتر از کوتاه مدت است. کشت در آمدی نیز مبین این است که در کوتاه مدت و بلند مدت گوشت مرغ و در بلند مدت گوشت ماهی کالاهایی ضروری می باشد.

ابونوری و همکاران (۱۳۸۶) تابع تقاضای گوشت را با استفاده از اطلاعات سری زمانی سال های ۵۰-۱۳۸۳ برآورد کرده است. نتایج نشان می دهد که تقاضای گوشت مرغ و قرمز نسبت به تغییرات قیمت بی کشت است. ضریب برآوردی کشت متقاطع گوشت قرمز بر حسب قیمت گوشت مرغ و گوشت ماهی نشان می دهد دو کالا جانشین هستند. کشت در آمدی گوشت مرغ و گوشت قرمز بیانگر آن است که این دو کالا، کالاهایی ضروری هستند. بنابراین می توان انتظار داشت که سیاست جایگزینی گوشت مرغ بجای گوشت قرمز ابزار مناسبی برای برنامه ریزان باشد.

جعفری و کهنسال (۱۳۸۶)، تابع تقاضای انواع گوشت در ایران را در دوره زمانی ۱۳۶۷-۱۳۸۱ مطالعه کردند. نتایج بررسی نشان می دهد گوشت مرغ و ماهی کالای ضروری بوده و جانشین یکدیگرند و پیشنهاد می کند که سیاست ها به گونه ای اتخاذ شود که در انتقال تقاضا از یک نوع گوشت به انواع دیگر با مشکل مواجه نگردد.

هاشمی بناب و قهرمان زاده (۱۳۸۴) الگوی مصرف کالاهای خوراکی در ایران را با استفاده از آزمون جدایی پذیری مورد بررسی قرار دارند. نتایج آزمونهای جدایی پذیری در این مطالعه نشان داد که فرضیه مربوط به اینکه درآمد مصرف کنندگان ابتدا بین گروه های مختلف خوراکیهای تخصیص داده می شود و سپس بینی انواع مختلف گوشت ها بر اساس منشا حیوانی صورت می گیرد، رد گردیده است.

اوگانیا و مارش (Ogunyinka and Marsh 2006) به بررسی تقاضای انواع گوشت در نیجریه با استفاده از اطلاعات سال های ۱۹۶۱-۱۹۹۹ پرداخته اند. نتایج پژوهش آنها حاکی از آن است که گوشت گاو و گوسفند نسبت به گوشت خوک و مرغ از کشت قیمتی بالاتری برخوردار بوده است.

جابرین (Jabarin 2005) با استفاده از اطلاعات مقطعی نشریه بودجه خانوار اردن و سیستم تقاضای تقریباً ایده آل به برآورد سیستم تقاضای گوشت در اردن پرداخته است. نتایج پژوهش وی حاکی از آن است که گوشت گوسفند و گاو کالای لوکس بوده است.

فیلدن و کلاسرا (Filden and Klasra 2005) با استفاده از سیستم تقاضای تقریباً ایده آل به برآورد عوامل موثر بر تقاضای خانوارها برای گوشت و ماهی طی فصول مختلف پرداخته اند. با استفاده از دستگاه معادلات و داده های سهم بودجه، کشت قیمتی تقاضا کشت متقاطع و کشت هزینه ای برای گوشت و ماهی برآورد شده است. نتایج اصلی پژوهش آنها حاکی از آن است که اثر فصلی بر روی مصرف گوشت و ماهی وجود داشته است. گوشت قرمز کالایی بی کشت بوده ولی تقاضا برای ماهی در مناطق شهری با کشت بوده است.

دافی (Duffy 2003) برای بررسی اثر آگاهی روی سهم تقاضای مصرف کننده از تولید داخل برای کالاهای بی دوام و خدمات در انگلستان از تابع تقاضای تقریباً ایده آل و الگوی تصحیح خطای آن استفاده کرد. نتایج مطالعه



وی نشان داد که کشش های تقاضا به فرم مورد نظر عمومی هستند و نشاندهنده تاثیر قوی قیمت ها در تخصیص مخارج مصرف کننده می باشند. همچنین شواهد ضعیفی دال بر حمایت از این نظریه که اطلاع رسانی و آگاهی آثار قوی بر تغییر تقاضای مصرف کننده از تولیدات داخلی دارد، یافت شده است.

ارزیابی مطالعات انجام شده در این حوزه نشان می دهد که هر یک از این مطالعات کوشیده اند تا این مساله را در نقاط مختلف و با داده های متفاوت مورد آزمون قرار دهند ولی نتایج آنها با هم هماهنگی ندارد که این امر ناشی از نوع رفتار مصرف کنندگان کالاها است. با توجه به اهمیت برآورد تقاضا و محاسبه کشش ها در برنامه ریزی و سیاست گذاری های مربوط به این بخش و با توجه به این که در زمینه تقاضای آبزیان و نوع برخورد مصرف کنندگان در استان کرمان تا کنون تحقیقی صورت نگرفته است. در این مقاله تلاش شده است تابع تقاضای تقریباً ایده آل برآورد و کشش های مربوطه تخمین زده شود.

روش شناسی

به طور کلی در هر دوره زمانی، هر گروه از خانوارها مخارج مشترکی دارند که ناچارند درباره تخصیص مخارج شان روی کالاهای موجود تصمیم بگیرند. نتیجه این تخصیص به سلیقه خانوار و قیمت کالاهای گوناگون بستگی دارد. در این تحقیق جهت تعیین سیستم معادلات تقاضای گوشت آبزیان در چارچوب سیستم تقاضای به نسبت ایده آل^۱ دیتون و میولبار (Deaton & Mullbauer, 1980) تخمین زده شد (۱۲).

این سیستم به صورت زیر است:

$$W_i = \alpha_i + \sum \gamma_{ij} \log p_j + \beta_i \log (X/P^*) \quad (1)$$

که در آن:

W_i = نسبت بودجه اختصاص یافته به گوشت نوع i ($i=1, 2, 3$)

P_j = قیمت گوشت نوع j ($j=1, 2, 3$)

X/P^* = در آمد واقعی خانوار

P^* = شاخص استون که به صورت زیر محاسبه می شود.

$$\log P^* = \sum_k W_k \log P_k \quad (2)$$

محدودیت پارامترهای A.I.D.S به صورت زیر مطرح می شود:

¹ - almost ideal demand system



$$\sum_{i=1}^n \alpha_i = 1, \quad \sum_{i=1}^n \gamma_i = 1, \quad \sum_{i=1}^n \beta_i = 0 \quad (3) \quad \text{شرط جمع پذیری}$$

$$(4) \quad \text{شرط همگنی}$$

$$\sum \gamma_{ij} = 0$$

$$\gamma_{ij} = \gamma_{ji} \quad (5) \quad \text{شرط تقارن}$$

مدل A.I.D.S بسادگی تفسیر شدنی است؛ در غیاب تغییرات در قیمت‌های نسبی و مخارج واقعی، سهم بودجه ثابت است و این نقطه آغاز طبیعی برای پیش بینی مدل است. تغییر در درآمد واقعی از راه ضریب β_i اعمال می‌شود که این ضریب برای کالاهای لوکس مثبت و برای کالاهای ضروری منفی است زیرا که میزان بودجه ثابت است و با تغییرات قیمت واقعی هر کدام از این کالاها، سهم بودجه اختصاص یافته به آنها تغییر می‌یابد. پس از تخمین ضرایب سیستم تقاضا، کشش متقاطع و کشش درآمدی به تفکیک مناطق شهری با استفاده از روابط زیر محاسبه می‌شود (۱۲):

کشش درآمدی =

$$\mu_i = 1 + \beta_i / W_i \quad (6)$$

$$(7) \quad \text{کشش قیمتی} =$$

$$E_{ii} = -1 + \gamma_{ii} / W_i - \beta_i$$

$$(8) \quad \text{کشش متقاطع میان دو نوع گوشت } i \text{ و } j =$$

$$E_{ij} = \gamma_{ij} / W_i - \beta_i (W_j / W_i)$$

اگر کشش درآمدی مثبت باشد، کالا ضروری است و اگر منفی باشد، کالا پست است. همچنین وقتی قدر مطلق E_{ij} بزرگتر از یک باشد نشان می‌دهد که تقاضای کالا کشش پذیر است و اگر E_{ij} مثبت باشد i و j جانشین یکدیگر می‌شوند و اگر E_{ij} منفی باشد آن دو مکمل یکدیگر تلقی خواهند شد.

برای تعیین ایستایی و نایستایی متغیرها از آزمون ریشه‌های واحد، طی مراحل مختلف استفاده شد. با بهره‌گیری از آزمون دیککی فولر^۲ (ADF) و معیار آکایکی (AIC)، فرضیه‌های زیر بکار رفت (۱۳).

$$A(1) = 0$$

$$A(0) = A(1) = 0$$

$$(9)$$

مرحله اول:

² - Augmented Dickey- Fuller Test (ADF)



(۱۰)

مرحله دوم:

$$A(1) = 0$$

$$A(0) = A(1) = A(2) = 0$$

$$A(1) = A(2) = 0$$

هنگامی که داده‌های سری زمانی به کار می‌رود باید به همگرایی یا واگرایی آنها نیز توجه شود. بدین معنا که دو متغیر در کوتاه مدت ممکن است با یکدیگر ارتباط داشته باشند ولی در دراز مدت ارتباط معنی‌داری میان آنها وجود نداشته باشد. در این حالت، به این متغیرها واگرا گفته می‌شود. بنابراین باید تعیین همگرایی متغیرها انجام گیرد، سپس وارد مدل شوند. همگرایی چند متغیر، به طور معمول زمانی مورد توجه قرار می‌گیرد که این متغیرها به تنهایی دارای حداقل یک ریشه واحد باشند. در این زمینه به آنها متغیرهای نایستا گفته می‌شود که حالت روند دارند. پس می‌توان گفت که آزمون ریشه واحد در برگزیده رگرسیون اولین تفاضل هر سری در برابر مقادیر تاخیرش در شرایط تفاضلی با وقفه و روند است. یعنی:

$$\Delta Y_t = \alpha + \beta Y_{t-1} + \sum_{i=1}^p Y_i \Delta Y_{t-i} + e_t \quad (11)$$

که در آن Δ اولین تفاضل، i دوره زمانی و p طول وقفه است. در این مدل p تا زمانی که e_t به طور کامل مطلوب باشد می‌تواند تغییر کند. در این حالت فرضیه زیر آزمون می‌شود:

$$H_0: \beta = 0$$

فرضیه صفر: ریشه واحد

$$H_1: \beta \neq 0$$

فرضیه آلترناتیو: عدم ریشه واحد

اگر ضریب دو معنی دار شد، فرضیه H_0 رد می‌شود، یعنی ریشه واحد وجود ندارد و متغیر ایستا است. در مورد تعیین ریشه واحد سری‌ها باید آماره ADF و $CRDW^3$ را نیز در نظر گرفت. برای تعیین همگرایی از آزمون انگل گرنجر استفاده گردید. به این صورت که یک سری زمانی بر سری‌های دیگر به طور ثابت یا روند برآورد می‌شود. در این حالت، آزمون‌های ریشه واحد روی پسماندهای حاصل از رگرسیون انجام می‌گیرد و ایستایی یا نایستایی جملات پسماند مشخص می‌شود. اگر فرض H_0 که همان وجود ریشه واحد است، رد شود، متغیرها واگرا خواهند بود. به سخن دیگر همگرایی در چند متغیر نایستا، زمانی وجود دارد که جملات پسماند آنها ایستا باشد. متغیرهایی که همگرا باشند در دراز مدت نمی‌توانند چندان از یکدیگر دور شوند، پس ارتباط درازمدت آنها معنی‌دار خواهد بود.

برای برآورد و تخمین تابع تقاضای آبریان در مناطق روستایی اطلاعاتی از شاخص‌های فوق در دوره زمانی مورد نظر در دسترس بود. برای محاسبه سهم بودجه اختصاص یافته هر خانوار به آبریان ارزش آن کالا به هزینه کل اختصاص یافته برای خرید گوشت هر خانوار در یک سال تقسیم و محاسبه گردید و با توجه به این امر که نمی‌توان سیستم

³ - Cointegration Regression Durbin Watson (CRDW)



تقاضای گوشت را بدون تفکیک به انواع گوشت (قرمز، مرغ و ماهی) تخمین زد و لازم است تقاضا برای گوشت قرمز و مرغ را نیز بررسی کرد (۱۰). سپس با توجه به رابطه ۱ دو معادله تشکیل گردید. این معادلات با استفاده از نرم افزار TSP و به صورت رگرسیون‌های به ظاهر نامرتب حل و کشش‌های قیمتی و درآمدی محاسبه گردید. اطلاعات مورد نیاز برای خانوارها از نشریه‌های هزینه و درآمد خانوارهای شهری و روستایی در سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان و اطلاعات مربوط به شاخص‌ها از نشریات گزارشی شاخص بهای کالا و خدمات استانداری استان کرمان و اتاق بازرگانی جمع‌آوری گردید.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

جدول ۱ شاخص قیمت انواع گوشت را در سالهای ۶۸-۱۳۹۱ نشان می‌دهد. جدول ۲ و ۳ سهم بودجه اختصاص یافته به هر یک از انواع گوشت را در مناطق شهری و روستایی استان کرمان را در فاصله زمانی ۶۸-۱۳۹۱ نشان می‌دهد.

جدول ۱- شاخص قیمت انواع گوشت در استان کرمان ۹۲-۱۳۶۸

سال	گوشت قرمز	گوشت مرغ	گوشت ماهی و حیوانات دریایی
۱۳۶۸	۱۳/۸	۱۱/۷	۲۰/۶
۱۳۶۹	۱۴/۵	۱۳/۲	۲۸/۷
۱۳۷۰	۱۶/۱	۱۴/۱	۳۱/۲
۱۳۷۱	۱۶/۹	۱۵/۴	۴۰/۹
۱۳۷۲	۱۷/۸	۱۷/۶	۴۸/۱
۱۳۷۳	۱۹	۲۰/۹	۵۹/۱
۱۳۷۴	۲۴/۸	۲۸/۲	۶۸/۷
۱۳۷۵	۲۶/۵	۳۵/۸	۷۱/۲
۱۳۷۶	۳۵/۳	۴۰/۱	۸۰/۱
۱۳۷۷	۵۸/۸	۸۱/۶	۸۶/۴
۱۳۷۸	۵۷/۳	۵۸/۴	۹۷/۷
۱۳۷۹	۶۲/۳	۶۱/۳	۱۰۵/۵
۱۳۸۰	۶۸/۶	۷۰/۵	۱۰۷/۴
۱۳۸۱	۷۰/۸	۷۶/۲	۱۱۸/۲
۱۳۸۲	۸۲/۶	۸۴/۹	۱۲۵/۸
۱۳۸۳	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۱۳۸۴	۱۰۸/۳	۱۰۲/۸	۱۲۷/۱



۱۳۳/۸	۱۱۰/۲	۱۲۰/۲	۱۳۸۵
۱۳۹/۳	۱۳۲/۳	۱۲۹/۵	۱۳۸۶
۱۳۹/۹	۱۳۶/۱	۱۴۵/۴	۱۳۸۷
۱۴۱/۲	۱۳۹/۱	۱۴۹/۷	۱۳۸۸
۱۴۲/۳	۱۴۱/۵	۱۴۶/۹	۱۳۸۹
۱۴۲/۹	۱۴۲/۶	۱۴۸/۱	۱۳۹۰
۱۴۳/۶	۱۴۳/۸	۱۵۲/۱	۱۳۹۱

ماخذ: جدول شاخص قیمت‌های شهری استان کرمان انتشارات استانداری



جدول ۲- سهم مصرف انواع گوشت در مناطق شهری

سال	گوشت قرمز	گوشت مرغ	گوشت ماهی و حیوانات دریایی
۱۳۶۸	۰/۷۸۱	۰/۱۳۹	۰/۰۶۹
۱۳۶۹	۰/۸۶۲	۰/۱۸۴	۰/۰۶۵
۱۳۷۰	۰/۶۹۲	۰/۲۲۲	۰/۰۸۵
۱۳۷۱	۰/۶۶۹	۰/۲۵۱	۰/۰۷۹
۱۳۷۲	۰/۶۶۴	۰/۲۶۵	۰/۰۷۰
۱۳۷۳	۰/۶۵۱	۰/۲۸۰	۰/۰۶۷
۱۳۷۴	۰/۶۵۰	۰/۲۸۱	۰/۰۶۸
۱۳۷۵	۰/۶۶	۰/۲۸۲	۰/۰۶۹
۱۳۷۶	۰/۶۵	۰/۲۸۳	۰/۰۷
۱۳۷۷	۰/۶۲۳	۰/۲۸۱	۰/۰۷
۱۳۷۸	۰/۶۳۸	۰/۲۸۷	۰/۰۶۹
۱۳۷۹	۰/۶۵۲	۰/۳۰۱	۰/۰۶۹
۱۳۸۰	۰/۶۴۵	۰/۳۲۱	۰/۰۷۱
۱۳۸۱	۰/۶۵۲	۰/۳۲۵	۰/۰۷۲
۱۳۸۲	۰/۶۶۱	۰/۳۲۶	۰/۰۸
۱۳۸۳	۰/۶۵۹	۰/۳۲۹	۰/۰۸۵
۱۱۳۸۴	۰/۶۶۲	۰/۳۲۸	۰/۰۸۶
۱۳۸۵	۰/۶۶۰	۰/۳۳۱	۰/۰۸۶
۱۳۸۶	۰/۶۶۳	۰/۳۴۰	۰/۰۹
۱۳۸۷	۰/۶۶۱	۰/۳۴۲	۰/۰۹۴
۱۳۸۸	۰/۶۷۱	۰/۳۴۴	۰/۰۹۶
۱۳۸۹	۰/۶۷۵	۰/۳۴۶	۰/۰۹۶
۱۳۹۰	۰/۶۷۸	۰/۳۴۷	۰/۰۹۷
۱۳۹۱	۰/۶۷۸	۰/۳۴۸	۰/۰۹۸

ماخذ: گزارشات سالیانه سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان و آمار سازمان شیلات



جدول ۳ - سهم مصرف انواع گوشت در مناطق روستایی

سال	گوشت قرمز	گوشت مرغ	گوشت ماهی و حیوانات دریایی
۱۳۶۸	۰/۷۸۲	۰/۱۷۱	۰/۰۴۶
۱۳۶۹	۰/۸۰۳	۰/۱۲۵	۰/۰۴۹
۱۳۷۰	۰/۸۱۰	۰/۱۲۹	۰/۰۵۰
۱۳۷۱	۰/۸۰۹	۰/۲۸۴	۰/۰۵۵
۱۳۷۲	۰/۸۱۲	۰/۲۰۲	۰/۰۶۲
۱۳۷۳	۰/۷۸۵	۰/۰۹۹	۰/۰۷۷
۱۳۷۴	۰/۷۹۵	۰/۱۳۲	۰/۰۶۸
۱۳۷۵	۰/۶۶۹	۰/۱۹۶	۰/۰۶۴
۱۳۷۶	۰/۶۷۰	۰/۲۸۳	۰/۰۷
۱۳۷۷	۰/۶۹۸	۰/۲۴۱	۰/۰۷
۱۳۷۸	۰/۶۸۷	۰/۲۸۷	۰/۰۶۹
۱۳۷۹	۰/۵۸۷	۰/۲۶۸	۰/۰۶۹
۱۳۸۰	۰/۶۵۲	۰/۲۹۸	۰/۰۷۱
۱۳۸۱	۰/۵۷۱	۰/۲۹۴	۰/۰۷۲
۱۳۸۲	۰/۵۹۸	۰/۲۹۵	۰/۰۸
۱۳۸۳	۰/۵۰۵	۰/۲۶۵	۰/۰۸۵
۱۱۳۸۴	۰/۵۴۶	۰/۲۵۴	۰/۰۸۶
۱۳۸۵	۰/۴۸۹	۰/۲۹۸	۰/۰۸۶
۱۳۸۶	۰/۴۹۴	۰/۲۹۹	۰/۰۹
۱۳۸۷	۰/۵۲۳	۰/۲۹۸	۰/۰۹۴
۱۳۸۸	۰/۵۲۳	۰/۲۹۸	۰/۰۹۳
۱۳۸۹	۰/۵۲۴	۰/۲۹۹	۰/۰۹۵
۱۳۹۰	۰/۵۲۵	۰/۲۹۹	۰/۰۹۵
۱۳۹۱	۰/۵۲۴	۰/۲۹۸	۰/۰۹۴

ماخذ: گزارشات سالیانه سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان و آمار سازمان شیلات

در مدل به کار رفته در این تحقیق، سهم بودجه هر یک از انواع گوشت (قرمز، مرغ و ماهی) به عنوان متغیر وابسته در سیستم تقاضا وارد شد و پس از تخمین معادلات، نتایج بدست آمده در جدول ۴ آورده شده است.



γ_{ij} : تغییر در نسبت بودجه اختصاص یافته به کالای 1 به ازای یک درصد تغییر در قیمت کالای 1 است به شرط ثابت بودن درآمد واقعی و ضریب β_i تغییر در نسبت بودجه مربوط به کالای 1 به ازای یک درصد تغییر درآمد واقعی است. طبق جدول 4 برای گوشت قرمز α_i ، γ_{i2} ، β_i معنی دار شده‌اند. γ_{i2} برابر با 0/269 است نشان می‌دهد که اگر یک درصد در قیمت گوشت قرمز تغییر ایجاد شود سهم بودجه اختصاص یافته هر خانوار به گوشت مرغ 0/269 واحد افزایش می‌یابد. β_i برابر با 0/213 است یعنی اگر مخارج یا درآمد واقعی، با ثابت بودن قیمت‌ها، یک درصد افزایش پیدا کند سهم بودجه اختصاص یافته هر خانوار به گوشت قرمز 0/213 واحد افزایش می‌یابد. برای گوشت مرغ α_i ، γ_{i1} ، β_i معنی دار شده‌اند. γ_{i1} برابر با 0/145 است نشان می‌دهد که اگر یک درصد در قیمت گوشت مرغ تغییر ایجاد شود سهم بودجه اختصاص یافته هر خانوار به گوشت قرمز 0/269 واحد افزایش می‌یابد. β_i برابر با 0/031 است یعنی اگر مخارج یا درآمد واقعی، با ثابت بودن قیمت‌ها، یک درصد افزایش پیدا کند سهم بودجه اختصاص یافته هر خانوار به گوشت قرمز 0/031 واحد افزایش می‌یابد. برای گوشت ماهی و سایر حیوانات دریایی فقط γ_{i3} معنی دار و مقدارش 0/035 می‌باشد که نشان می‌دهد اگر قیمت گوشت ماهی یک درصد افزایش یابد سهم بودجه اختصاص یافته هر خانوار به گوشت ماهی 0/035 واحد کاهش می‌یابد.

جدول 4- ضرایب سیستم تقاضای انواع گوشت در مناطق شهری

انواع گوشت	α_i	γ_{i1}	γ_{i2}	γ_{i3}	β_i	R^2
گوشت قرمز	0/213*	0/125	0/269*	0/092	0/213*	0/84
	(0/2145)	(1145)	(0/0514)	(0/0689)	(0/0252)	
گوشت مرغ	0/191*	0/145*	-0/026	-0/053	0/031*	0/82
	(0/1081)	(0/0248)	(0/0339)	(0/0325)	(0/0121)	
گوشت ماهی و سایر حیوانات دریایی	0/064	0/023	0/0005	-0/035*	0/004	0/65
	(0/0501)	(0/0202)	(0/0138)	(0/0141)	(0/0037)	

عددهای بدون پرانتز کشش تابع تقاضای مارشال و عددهای درون پرانتز کشش تابع تقاضای هیکس را نشان می‌دهد
*: معنی دار در سطح 5٪

در جدول 5 معادلات انواع گوشت برای مناطق روستایی برآورد شد. برای گوشت قرمز ضرایب α_i ، β_i ، γ_{i3} معنی دار شده‌اند. γ_{i3} ، 0/169 نشان می‌دهد که اگر یک درصد در قیمت گوشت ماهی تغییر ایجاد شود سهم بودجه اختصاص یافته هر خانوار به گوشت قرمز 0/169 واحد افزایش می‌یابد. به عبارتی اگر به میزان 100 ریال به قیمت گوشت ماهی اضافه شود سهم



بودجه اختصاص یافته هر خانوار روستایی برای گوشت مرغ ۱۶/۹ ریال افزایش می یابد. همچنین β_i برابر با ۰/۱۲- است که نشان می دهد اگر مخارج واقعی یک درصد افزایش پیدا کند، سهم بودجه اختصاص یافته خانوارها به گوشت قرمز ۰/۱۲ کاهش می یابد. برای گوشت مرغ γ_{i1} ، γ_{i3} معنی دار شده اند. γ_{i1} برابر با ۰/۱۵۹ است نشان می دهد که اگر یک درصد در قیمت گوشت مرغ تغییر ایجاد شود سهم بودجه اختصاص یافته هر خانوار به گوشت قرمز ۰/۱۵۹ واحد افزایش می یابد. برای گوشت ماهی و سایر حیوانات دریایی ضرایب α_i ، γ_{i3} و β_i معنی دار شده اند. γ_{i1} ، β_i و α_i نشان می دهد، که اگر یک درصد در قیمت گوشت مرغ تغییر ایجاد شود سهم بودجه اختصاص یافته هر خانوار روستایی به گوشت ماهی ۰/۰۶۷ واحد کاهش می یابد. β_i ، α_i و γ_{i1} معنی دار نیستند، با ثابت بودن قیمتها، یک درصد افزایش پیدا کند سهم بودجه اختصاص یافته هر خانوار به گوشت مرغ ۰/۰۰۸ واحد کاهش می یابد.

جدول ۵- ضرایب سیستم تقاضای انواع گوشت در مناطق دروستایی

انواع گوشت	α_i	γ_{i1}	γ_{i2}	γ_{i3}	β_i	R^2
گوشت قرمز	۱/۵۶۹*	-۰/۲۱۴	-۰/۰۲۱	۰/۱۶۹*	-۰/۱۲*	۰/۷۵
	(۰/۳۵۴۶)	(۰/۲۴۶۸)	(۰/۱۵۹۸)	(۰/۱۲۳)	(۰/۰۳۲۴)	
گوشت مرغ	-۰/۱۰۵	۰/۱۵۹*	۰/۰۰۱۹	۰/۱۱۲*	-۰/۰۰۵	۰/۷۸
	(۰/۱۱۸۳)	(۰/۰۸)	(۰/۰۵۳۹)	(۰/۰۳۴۵)	(۰/۰۱۰۱)	
گوشت ماهی و سایر حیوانات	۱/۱۵۶*	-۰/۰۶۷*	۰/۰۲۸	۰/۰۳۶*	-۰/۰۰۸*	۰/۶۷
	(۰/۰۳۵۱)	(۰/۰۲۷۲)	(۰/۰۱۷۸)	(۰/۰۱۱۵)	(۰/۰۰۳۷)	

ماخذ: یافته های تحقیق

عددهای بدون پرانتز کشش تابع تقاضای مارشال و عددهای درون پرانتز کشش تابع تقاضای هیکس را نشان می دهد

*: معنی دار در سطح ۵٪

در جدول ۶ کشش های مستقیم و متقاطع تقاضای انواع گوشت در مناطق شهری بر توابع تقاضای مارشال و هیکس نشان داده شده است. کشش خود قیمتی گوشت قرمز E_{11} در تابع تقاضای مارشال برابر با ۰/۹۱۲- است که چون قدر مطلق آن کوچکتر از یک است، تابع تقاضا برای گوشت قرمز در مناطق شهری کشش ناپذیر است. و این نشان می دهد که اگر قیمت گوشت قرمز یک واحد افزایش یابد، مقدار تقاضا برای آن روی تابع تقاضا مارشال ۰/۹۱۲ واحد و روی تابع تقاضای هیکس ۰/۸۰۲ واحد کاهش خواهد یافت. E_{12} نشان دهنده کشش متقاطع میان گوشت قرمز با گوشت مرغ و مقدارش برابر ۰/۴۲۸ است. چون علامت آن مثبت است بنابراین گوشت مرغ و گوشت قرمز جانشین هم هستند. یعنی اگر قیمت گوشت مرغ ۱ درصد افزایش یابد مقدار تقاضا برای گوشت قرمز روی تابع تقاضای مارشال ۰/۴۲۸ واحد و روی تابع تقاضای هیکس ۰/۲۱۴ واحد افزایش می یابد. E_{13} کشش متقاطع میان گوشت قرمز و گوشت ماهی در مناطق شهری است. کشش متقاطع بر تابع تقاضای مارشال برابر با ۰/۱۲۱ است و نشان می دهد که اگر قیمت گوشت ماهی یک واحد افزایش یابد مقدار تقاضا برای گوشت قرمز ۰/۱۲۱ واحد افزایش می یابد. چون علامت E_{13} مثبت است، بنابراین گوشت قرمز با گوشت ماهی جانشین هم به



شمار می‌روند. E21 کشتش متقاطع میان گوشت قرمز و گوشت مرغ برابر ۰/۶۵۸ است چون علامت آن مثبت است بنابراین گوشت مرغ و گوشت قرمز جانشین هم هستند. یعنی اگر قیمت گوشت قرمز یک واحد افزایش یابد مقدار تقاضا برای گوشت مرغ به اندازه ۰/۶۵۸ واحد افزایش پیدا می‌کند. کشتش متقاطع بر تابع تقاضای هیکس برابر ۱/۵۱۴ است و نشان می‌دهد که اگر قیمت گوشت قرمز یک واحد افزایش یابد مقدار تقاضا برای گوشت مرغ ۱/۵۱۴ واحد افزایش می‌یابد.

E22 کشتش خود قیمتی گوشت مرغ را بر تابع تقاضای مارشال و هیکس نشان می‌دهد. E22 بر تابع تقاضای مارشال ۲/۹۲۵- است و چون قدر مطلق آن بزرگتر از یک است، بنابراین گوشت مرغ کشتش پذیر به شمار می‌آید و این امر نشان می‌دهد که اگر قیمت گوشت مرغ یک واحد افزایش یابد مقدار تقاضا برای آن روی تابع مارشال ۲/۹۲۵ واحد و روی تابع تقاضای هیکس ۲/۵۳ واحد کاهش می‌یابد.

E23 کشتش متقاطع میان گوشت مرغ و گوشت ماهی را نشان می‌دهد و چون علامت آن مثبت است بنابراین، گوشت مرغ و گوشت ماهی جانشین هم به شمار می‌آیند؛ یعنی اگر قیمت گوشت ماهی یک درصد افزایش یابد مقدار تقاضا برای گوشت مرغ روی تابع تقاضای مارشال ۰/۱۵۸ واحد و روی تابع تقاضای هیکس ۰/۱۰۴ واحد افزایش می‌یابد. E31 کشتش متقاطع گوشت ماهی را با گوشت قرمز نشان می‌دهد و چون علامت آن مثبت است، دو کالا جانشین هم به شمار می‌آیند. همچنین اگر قیمت گوشت قرمز یک واحد افزایش یابد مقدار تقاضا برای گوشت ماهی روی تابع تقاضای مارشال ۰/۴۲۵ واحد و روی تابع تقاضای هیکس ۰/۳۲۹ واحد افزایش می‌یابد. E32 کشتش متقاطع گوشت ماهی با گوشت مرغ و نشان‌دهنده حالت جانشینی این دو کالا است و نیز نشان می‌دهد اگر قیمت گوشت مرغ یک واحد افزایش یابد مقدار تقاضا برای گوشت ماهی روی تابع تقاضای مارشال ۰/۰۲۴ واحد و روی تابع تقاضای هیکس ۰/۱۶۷ واحد افزایش می‌یابد. E33 کشتش خود قیمتی برای گوشت ماهی و قدر مطلق آن بزرگتر از یک است، بنابراین گوشت ماهی کشتش پذیر به شمار می‌آید. اگر قیمت گوشت یک واحد افزایش یابد مقدار تقاضا برای آن روی تابع تقاضای مارشال ۱/۴۲ واحد و روی تابع تقاضای هیکس ۱/۳۲ واحد کاهش می‌یابد.

جدول ۶- کشتش مستقیم و متقاطع تقاضای انواع گوشت در مناطق شهری

انواع گوشت	گوشت قرمز	گوشت مرغ	گوشت ماهی و سایر حیوانات دریایی
گوشت قرمز	-۰/۹۱۲	۰/۴۲۸	۰/۱۲۱
	(۰-/۸۰۲)	(۰/۲۱۴)	(۰/۱۸۱)
گوشت مرغ	۰/۶۵۸	-۲/۹۲۵	۰/۱۵۸
	(۱/۵۱۴)	(-۲/۵۳۸)	(۰/۱۰۴)
گوشت ماهی و سایر	۰/۴۲۵	۰/۰۲۴	-۱/۴۲
حیوانات دریایی	(۰/۳۲۹)	(۰/۱۶۷)	(-۱/۳۲)

عددهای بدون پرانتز کشتش تابع تقاضای مارشال و عددهای درون پرانتز کشتش تابع تقاضای هیکس را نشان می‌دهد.



در جدول ۷ کشش‌های مستقیم و متقاطع انواع گوشت را در مناطق روستایی بر توابع تقاضای مارشال و هیکس نشان داده شده است.

جدول ۷- کشش مستقیم و متقاطع تقاضای انواع گوشت در مناطق روستایی

انواع گوشت	گوشت قرمز	گوشت مرغ	گوشت ماهی و سایر حیوانات دریایی
گوشت قرمز	-۰/۷۱۲	۰/۰۲۱	۰/۳۲۴
	(-۰/۲۷۵)	(۰/۱۶۲)	(۰/۴۰۵)
گوشت مرغ	۰/۵۲۱	-۱/۰۰۲	۰/۶۵۸
	(۰/۲۶۸)	(-۰/۸۵۶)	(۰/۹۳۵)
گوشت ماهی و سایر حیوانات دریایی	۰/۰۶۴	۰/۵۷۲	-۱/۱۸۲
	(۰/۴۶۷)	(۰/۷۱۵)	(-۰/۲۲۵)

عددهای بدون پرانتز کشش تابع تقاضای مارشال و عددهای درون پرانتز کشش تابع تقاضای هیکس را نشان می‌دهد.

جدول ۸- کشش درآمدی گوشت در مناطق شهری و روستایی استان کرمان

شرح	گوشت قرمز	گوشت مرغ	گوشت آبزیان
کشش درآمدی در مناطق شهری	۰/۶۸	۰/۷۸۹	۰/۹۰
کشش درآمدی در مناطق روستایی	۰/۵۴	۰/۶۹	۱/۰۶

کشش درآمدی انواع گوشت در جدول ۸ آمده است. نتایج این جدول نشان می‌دهد که کشش درآمدی برای گوشت قرمز و مرغ در مناطق شهری و روستایی کوچکتر از یک است، بنابراین کالای مذکور برای مصرف کنندگان شهری و روستایی در کرمان کالایی ضروری محسوب می‌شود. کشش درآمدی برای گوشت آبزیان در مناطق شهری کوچکتر از یک و در مناطق روستایی بزرگتر از یک است، بنابراین کالای مذکور برای مصرف کنندگان شهری در کرمان کالایی ضروری و برای مصرف کنندگان روستایی کالایی لوکس محسوب می‌شود.

بررسی همگرایی

در تحقیق حاضر، تنها از داده‌های جامعه شهری استفاده و همگرایی توابع تقاضا آزمون شده است. تعیین همگرایی با تعداد داده‌های محدود پاسخ دقیقی را بدست نمی‌دهد. بنابراین مناطق روستایی، همگرایی تعیین نشده است. برای تعیین همگرایی در این پژوهش، نخست ریشه واحد (unit root) تمام متغیرهای موجود در مدل تعیین گردید. سپس نشان داده شد که متغیرهای P_1 ، P_2 و P_3 ریشه واحد دارند و در نتیجه پویا هستند و متغیرهای W_1 ، W_2 ، W_3 ریشه واحد ندارند در نتیجه آزمون همگرایی روی آنها انجام گرفت، همان طور که در جدول ۹ نشان داده شده است، برای تعیین ریشه واحد از آزمون ADF استفاده می‌شود. این آزمون نشان می‌دهد که متغیرها در چه سطح معنی‌داری ایستا هستند.



جدول ۹- تعیین ریشه واحد در متغیرهای توابع تقاضای انواع گوشت

D.W	ADF	متغیر
۱/۶۴	۲/۸۴**	P ₁
۱/۶۸	۲/۶۵*	P ₂
۱/۶۹	۲/۵۵*	P ₃
۲/۰۶	۰/۶۳	W ₁
۲/۰۷	۰/۳۱	W ₂
۲/۰۴	۰/۳۱	W ₃

** : معنی دار در سطح ۵٪ * : معنی دار در سطح ۱۰٪

برای تعیین همگرایی، متغیرهای P₁، P₂ و P₃ روی W₁، W₂ و W₃ برآورد شد (جدول ۱۰). نتایج نشان می‌دهد که ریشه واحد در جملات پسماند رگرسیون وجود ندارد، جملات پسماند در رگرسیون W₁ و W₃ در وقفه یک ایستا است و همگرایی دارد و در رگرسیون W₂ در وقفه دو ایستاست. میزان D.W برای هر دو رگرسیون قابل قبول و این امر عدم وجود خود همبستگی را نشان می‌دهد. R² برای هر دو رگرسیون قابل توجه است. مقدار CRDW برای هر سه همگرایی بسیار خوب بوده است. این امر نبود خود همبستگی را نشان می‌دهد.

جدول ۱۰- تعیین همگرایی در توابع تقاضای انواع گوشت

R ²	D.W	ADF	همگرایی
٪۷۲	۲/۵۳	-۴/۲۴*	W ₁ P ₁ P ₂ P ₃
٪۶۶	۲/۲۴	-۵/۱۱**	W ₂ P ₁ P ₂ P ₃
٪۵۱	۲/۲۴	-۴/۴۶*	W ₃ P ₁ P ₂ P ₃

** : معنی دار در سطح ۵٪ * : معنی دار در سطح ۱۰٪

بحث و نتیجه گیری

نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که در مناطق شهری سهم بودجه اختصاص یافته به گوشت مرغ و ماهی افزایش یافته است در حالی که میزان بودجه اختصاص یافته به گوشت قرمز به تدریج کم شده است. در جامعه روستایی نیز سهم بودجه اختصاص یافته به گوشت قرمز در طی سالهای گوناگون کاهش و برای گوشت مرغ افزایش یافته است. این بودجه برای گوشت ماهی نخست افزایش و سپس کاهش یافته است. کشش خود قیمتی گوشت قرمز در مناطق شهری و روستایی کوچکتر از یک بوده و این امر نشان‌دهنده کشش ناپذیر بودن قرمز است. حال آنکه کشش خود قیمتی گوشت مرغ و ماهی بزرگتر از یک بوده و این نشان‌دهنده کشش پذیر



بودن آنها است. در نتیجه در اعمال سیاست مدیریت تقاضا و اصلاح الگوی مصرف آبزیان، اهرم قیمت موثر می باشد و با کاهش قیمت می توان در آمد را به میزان قابل توجهی افزایش داد.

ضریب برآوردی کشش متقاطع انواع گوشت حاکی از جانشینی آنها با یکدیگر است. مقایسه کشش متقاطع گوشت قرمز بر حسب گوشت ماهی و کشش متقاطع گوشت ماهی بر حسب گوشت قرمز نشان می دهد که کشش متقاطع گوشت قرمز بر حسب گوشت ماهی از کشش متقاطع گوشت ماهی بر حسب گوشت قرمز بیشتر بوده و جایگزینی گوشت ماهی بجای گوشت قرمز با توجه به قیمت ارزان تر نهاده های تولیدی آن می تواند ابزار سیاستی مناسبی برای برنامه ریزان باشد. این امر در مورد گوشت مرغ و ماهی نیز مصداق دارد. بررسی کشش متقاطع گوشت مرغ و ماهی حاکی از جانشینی دو کالا است و از آنجا که کشش متقاطع گوشت مرغ بر حسب گوشت ماهی از کشش متقاطع گوشت ماهی بر حسب گوشت مرغ بیشتر است جایگزینی گوشت مرغ بجای گوشت ماهی و سایر آبزیان به آسانی صورت می گیرد.

کشش درآمدی گوشت مرغ و ماهی نشان دهنده ضروری بودن این دو کالا در مناطق شهری است. در نتیجه با توجه به ضرورت وجود این دو کالا در سبد مصرفی خانوارها و کاهش مخارج واقعی خانوارها که به دلیل افزایش شدید شاخص قیمت ها رخ می دهد، سیاست کنترل تورم ضروری است و این امر به عنوان یکی از عوامل موثر در کاهش مصرف و تقاضای آبزیان، لازم است مورد توجه برنامه ریزان قرار گیرد.

با توجه به این که این مطالعه در سطح استان کرمان انجام شد نتایج آن با نتایج تحقیقاتی که برای تخمین تقاضای انواع گوشت در سطح ایران انجام شده است در مناطق شهری مغایرت ندارد. در سطح ایران جعفری و همکاران (۳) گوشت آبزیان را یک کالای ضروری معرفی نموده و آنرا با گوشت مرغ در کل جوامع شهری و روستایی کشور یک کالای جانشین مصرفی کرده است. حال آن که در این تحقیق گوشت ماهی در مناطق روستایی یک کالای لوکس مصرفی شده است. شجری و همکاران (۸) در تخمین تابع تقاضای مواد غذایی در ایران گوشت ماهی را یک کالای کشش پذیر معرفی نموده است که قدر مطلق کشش قیمتی آن بزرگتر از یک است و نتایج آن با نتایج این تحقیق مطابقت دارد. ارزیابی مطالعات انجام شده نشان می دهد که هر یک از این مطالعات کوشیده اند تا این مساله را در نقاط مختلف و با داده های متفاوت مورد آزمون قرار دهند ولی نتایج آنها با یکدیگر هماهنگی ندارد و این امر عمدتاً ناشی از نوع رفتار مصرف کنندگان کالاهاست. نکته دوم اینکه در این مطالعات از الگوها و روش های مختلف برآورد بهره گرفته شده است و تا حدی نتایج را تحت تاثیر قرار داده است.



منابع

- ۱- بونوری ا. ۱۳۷۱. معرفی یک الگوی جدید توزیع درآمد، برنامه و توسعه، شماره ۱، ص: ۱۵۰-۱۷۱
- ۲- بانک مرکزی ایران، گزارش شاخص بهای کالای خدمات شهری و روستایی ایران
- ۳- جعفری ف. و کهنسال م. ر. ۱۳۸۶. تابع تقاضای انواع گوشت در ایران، چکیده مقالات ششمین کنفرانس اقتصاد کشاورزی ایران، دانشگاه مشهد
- ۴- رضاپور ف.، دانشور کاخکی ح و محمدی ح. ۱۳۹۰. بررسی تقاضای گروه‌های کالاهای خوراکی در مناطق شهری ایران،
- ۵- سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان کرمان، آمار هزینه و درآمد خانواده های شهری در سالهای مختلف ۸۷-۱۳۸۸، کرمان
- ۶- سایت اینترنتی شیلات ایران www.iranfisheries.ir
- ۷- سایت فائو www.fao.org
- ۸- شجری ش، باریکانی ا و امجدی ا. ۱۳۸۵. محاسبه کشش های درآمدی و قیمتی مواد غذایی در ایران، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال ۱۵، شماره ۶۰، ص: ۱۲۵-۱۴۵
- ۹- قربانی م.، شگری ا و مطلبی م. ۱۳۸۹. الگوی تصحیح خطای سیستم تقاضای تقریبا ایده آل برای انواع گوشت در ایران. فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، (۱۸): ۶۹، ۱۱۲-۱۳۲
- ۱۰- هاشمی بناب ص. و قهرمان زاده م. ۱۳۸۴. بررسی الگوی مصرف کالاهای خوراکی در ایران با استفاده از آزمون جدایی پذیری، چکیده مقالات پنجمین کنفرانس اقتصاد کشاورزی ایران، سیستان و بلوچستان، ۲۷۱-۲۶۹
- 11- Angulond J.M. 2006. Incorporating nutrients into meat demand analysis using household data, Agricultural Economics, Vol: 35, Issue 2, PP; 131-144
- 12- Deaton M. and Mullber J. 1980. An almost ideal demand system, Amer. J. Eco. Rev. No.70 (3):105-116
- 13- Duffy M. 2003. Advertising and food, drink and tobacco consumption in the United Kingdom: A dynamic demand system Agricultural Economics, 28:51-70
- 14 - Jabarin A. S. 2005. Estimation of meat demand system in Jordan: An Almost Ideal Demand System, International Journal of Consumer Studies, Vol: 29, No: 3, PP: 232-238
- 15- Morrison A., Balcombe K., Bailey A., Koninis S., and Rapsomaniki G. 2003. Expenditure on different categories of meat in Greece: The influence of changing tests, Agricultural Economics, 28: 139-150